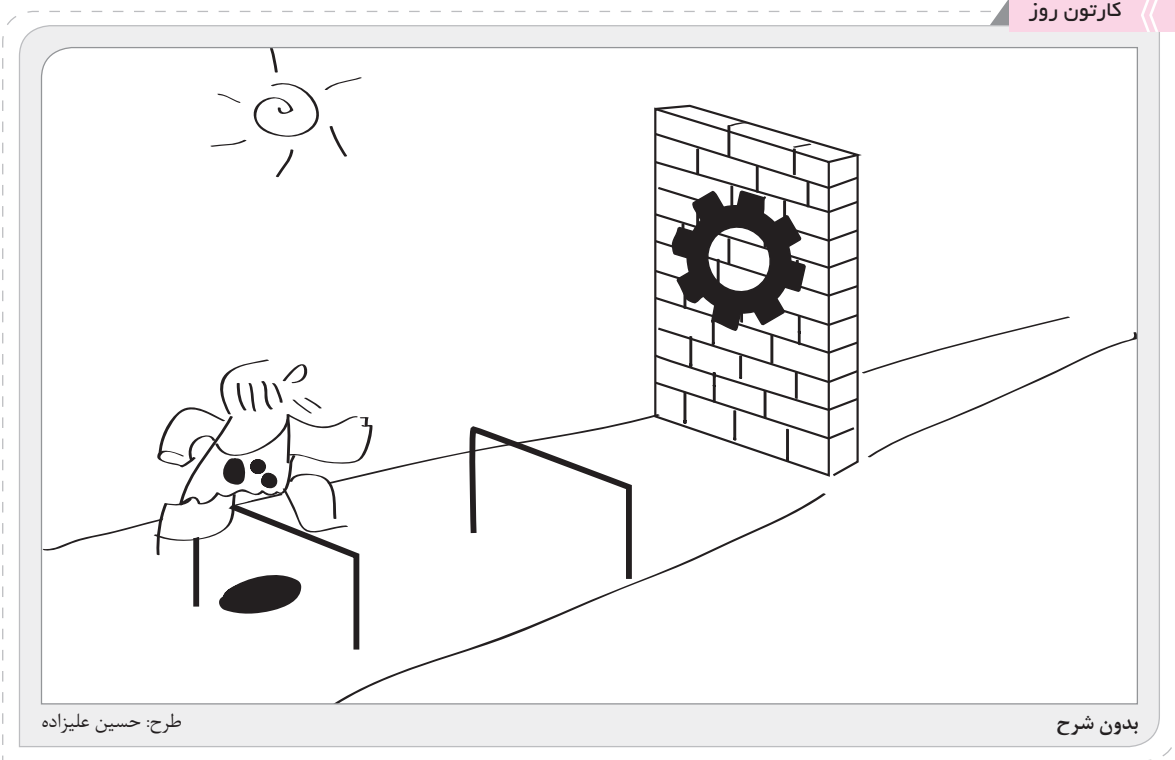


منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه سلامت www.smtnews.ir/about.html صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «سلامت» مدیرمسئول: عاطفه خسروی سازمان آگهی‌ها: ۰۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com تلفن: ۰۲۱۹۰ (داخلی -۰۸) توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۰۸۱۰۵۲۸۸ تهران، خیابان قائم مقام فرهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir چاپخانه: صمیم	info@smtnews.ir https://ble.ir/smtnews عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	www.smtnews.ir telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper tozi.smtnews@gmail.com http://eltaa.com/smtnews
--	---	---



طرح: حسین علیزاده

اصلاح پارانه نان بدون شوک قیمتی

جراحی پرریسک



اسراف در زنجیره آراد و نان

انرژی‌بر نان، بدون وجود مکانیزم جبرانی عادلانه، فشار مضاعفی بر دهک‌های پایین و متوسط وارد کرده و ثبات بازار را به‌خطر می‌اندازد. هدف این تحلیل، ارائه راهکارهای جایگزین و بلندمدت برای حفظ منافع عمومی و حمایت از تولید، با تمرکز بر کارایی و عدالت توزیع است.

اگرچه پرداخت یارانه نقدی به خانوارها به‌صورت تئوری، جایگزین مناسبی برای یارانه‌های پنهان است، اما در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو است که از جمله آنها می‌توان به افزایش نرخ تمام‌شده نان اشاره کرد. این افزایش، نه‌تنها بر توان خرید خانوارها، بلکه بر زنجیره تولید و مصرف مواد غذایی تأثیر می‌گذارد.

است و حتی می‌توان بدون حذف ارز ترجیحی روش‌هایی را به کار برد که هم در تامین آرد و گندم صرفه‌جویی انجام شود و هم اینکه دولت از این محل درآمدی را کسب کند.

حذف ارز ترجیحی آرد به‌معنای افزایش فوری هزینه تولید نان است. این افزایش مستقیماً به نرخ نان مصرفی منتقل می‌شود. باتوجه به اینکه نان، برخلاف بسیاری از کالاهای اساسی دیگر، جزو اقلامی است که مصرف‌کنندگان خرد و کم‌درآمد توانایی کاهش مصرف آن را ندارند (به‌دلیل وابستگی کالری پایه)، این امر نهایتاً منجر به افزایش شدید تورم خوراکی خواهد شد.

این گزارش بر این فرض استوار است که حذف ناگهانی یارانه پنهان

در راستای اجرای جراحی اقتصادی و حذف ارز ترجیحی از کالاهای اساسی که چندی قبل توسط دولت چهاردهم اجرایی و عملیاتی شده است؛ به نظر می‌رسد طبق دستوری از سوی مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری دولت چهاردهم، صنعت آرد و نان نیز به‌عنوان یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد معیشتی کشور در معرض تغییرات ساختاری قرار گرفته است.

این در حالی است که نان کالای پایه سبد معیشت است و هر اصلاحی در پارانه آن، نیازمند ملاحظات اجتماعی و سیاست‌های مکمل برای جلوگیری از شوک تورمی است.

بنا بر گزارش‌های رسمی و غیر رسمی، اسراف در زنجیره آرد و نان موجب شده است تا مسئولان به‌دنبال طرح ساماندهی زنجیره تامین آرد و نان و موضوعات مرتبط با آن شامل خرید تضمینی گندم، اصلاحات قیمتی و غیرقیمتی و شیوه پرداخت یارانه مقرر خرید باشند. در حالی که هدف‌گذاری اصلاح اقتصادی، کاهش هزینه‌های دولت و رساندن درآمد به مصرف‌کننده نهایی و برقراری عدالت در توزیع منابع ارزی، کاهش انگیزه برای فساد، قاچاق، رانت‌خواری و افزایش شفافیت در نظام ارزی کشور است، حذف ارز ترجیحی در بخش نان، به‌دلیل ارتباط مستقیم با امنیت غذایی و معیشت روزانه اکثریت جامعه، نیازمند رویکردی بسیار محتاطانه و جایگزین‌های سیاستی دقیق‌تر

تبعات اقتصادی یک تصمیم

بر همین اساس، همان‌طور که تأکید شد طبق تحلیل کارشناسان اقتصادی، حذف ناگهانی ارز ترجیحی آرد و نان می‌تواند تبعات اقتصادی به‌دنبال داشته باشد که فشار تورمی بر دهک‌های پایین، از این موارد است. نان به‌دلیل ماهیت ضروری خود، کشش قیمتی پایینی دارد و جایگزین غذایی برای آن نیست. افزایش نرخ نان، بخش بزرگی از سبد مصرفی خانواده‌های کم‌درآمد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و منجر به کاهش شدید رفاه می‌شود. تأثیر بر تولید نیز یکی دیگر از عوامل متأثر از اجرای این سیاست است؛ اگرچه هدف، اصلاح تخصیص منابع است، اما افزایش ناگهانی هزینه‌های تولید می‌تواند منجر به تعطیلی ناوایی‌ها یا کاهش کیفیت محصول برای حفظ نرخ تمام‌شده نهایی یعنی کم‌فروشی یا استفاده از مواد اولیه نامرغوب شود. همچنین پیشنهاد جایگزینی یارانه آرد و نان با یارانه نقدی مستقیم، به‌دلیل عدم تناسب با الگوی مصرف واقعی خانوارها، اعم از تعداد اعضا، محل سکونت و نوع مصرف و چالش‌های شناسایی و پرداخت، از عدالت کافی برخوردار نیست و اغلب منجر به نشت یارانه یا عدم کفایت جبران می‌شود. بنابراین، رویکرد اصلاحی باید بر انتقال و هدفمندسازی یارانه متمرکز باشد، نه حذف کامل آن. به روایت دیگر، هدف از اجرای این سیاست باید حفظ یارانه به‌عنوان یک سیاست حمایتی اما با سازکاری کارآمدتر باشد.

سخن پایانی

با مکانیزم‌های شفاف، هدفمند و چندوجهی است که در این گزارش مطرح شد. این بسته سیاستی که شامل هوشمندسازی توزیع، هدفمند کردن حمایت‌ها به‌سمت هزینه‌های تولید (انرژی) و ارتقای بهره‌وری صنعتی

نتیجه آنکه به تعبیر دغدغه‌مندان اقتصادی، حذف یک‌باره ارز ترجیحی نان، یک شوک قیمتی و اجتماعی بزرگ محسوب می‌شود که اثرات تورمی شدیدی به‌همراه خواهد داشت و امنیت غذایی را به‌خطر می‌اندازد و راهکار موثر برای آن، جایگزینی یارانه پنهان

نسخه عبور از اندوه جمعی



پیروز حناچی: در مواجهه با بحران‌های اجتماعی، آنچه بیش از هر چیز می‌تواند جامعه را از فروغلتیدن در چرخه کینه و شکاف نجات دهد، نه برخورد‌های سختگیرانه، بلکه تقویت همدلی، گفت‌وگو و به‌رسمیت شناختن احساسات

عمومی است. هر جامعه‌ای در مقاطعی با بحران‌هایی روبه‌رو می‌شود که فراتر از یک حادثه یا رخداد مقطعی، به «اندوه جمعی» تبدیل می‌شوند؛ اندوهی که اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند مسیر خود را از سوگواری و همدلی، به خشم، بی‌اعتمادی و کینه تغییر دهد.

تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد، عبور از چنین وضعیت‌هایی، بیش از آنکه به ابزارهای قهری نیاز داشته باشد، محتاج درک اجتماعی و مدیریت هوشمندانه احساسات عمومی است. در تجربه‌های پیشین، از جمله رخدادهایی که جامعه را در شوک و غم فرو برد، یک راهکار مشخص توانست از عمیق‌تر شدن شکاف‌ها جلوگیری کند و آن تبدیل اندوه فردی به غم عمومی و همدلانه است. وقتی جامعه احساس کند، دیده می‌شود، شنیده می‌شود و دردش به رسمیت شناخته می‌شود، احتمال تبدیل غم به خشم جمعی به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد. این همان نقطه‌ای است که نقش نهادهای عمومی، به‌ویژه مدیریت شهری و دولت، برجسته می‌شود.

همدلی اجتماعی، صرفاً یک رفتار نمادین یا احساسی نیست، بلکه ابزاری موثر برای کاهش تنش و بازسازی سرمایه اجتماعی است. اقداماتی مانند ابراز همدردی رسمی، دیدار با خانواده‌های آسیب‌دیده یا حتی استفاده از فضاهای شهری برای بازتاب احساسات عمومی می‌تواند پیام روشنی به جامعه بدهد؛ «شما تنها نیستید». این پیام، اگر صادقانه و فراگیر منتقل شود، اثر تسکین‌دهنده‌ای دارد که هیچ دستور اداری یا امنیتی قادر به جایگزینی آن نیست. در مقابل، نادیده گرفتن اندوه عمومی یا تلاش برای عبور سریع و بی‌توجهی به آن، می‌تواند زمینه‌ساز انباشت نارضایتی شود. اندوه سرکوب‌شده، معمولاً دیر یا زود به‌شکل خشم یا بی‌اعتمادی بروز می‌کند.

از همین‌رو است که بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند؛ مدیریت بحران، پیش از آنکه یک مسئله فنی یا سیاسی باشد، یک مسئله اجتماعی و روانی است. نکته مهم دیگر، ترکیب سنی و نسلی افرادی است که در بسیاری از رخداد‌های اخیر نقش داشته یا آسیب دیده‌اند. بخش قابل‌توجهی از این افراد، نوجوانان و جوانانی هستند که نخستین تجربه جدی اعتراض یا کنش اجتماعی خود را پشت‌سر گذاشته‌اند. این نسل، با نسل‌های پیشین تفاوت‌های جدی دارد؛ هم در شیوه دریافت خبر، هم در زبان، هم در انتظارات. پاسخ دادن به پرسش‌های جدید با پاسخ‌های قدیمی، معمولاً نتیجه‌بخش نیست و حتی می‌تواند فاصله‌ها را بیشتر کند.

در چنین شرایطی، آموزش نقش کلیدی پیدا می‌کند؛ آموزشی دوطرفه. از یک‌سو، آموزش شیوه‌های درست اعتراض کردن، گفت‌وگو و مطالبه‌گری برای شهروندان و از سوی دیگر، آموزش مدیریت اعتراض و کنترل تنش برای نهادهای مسئول. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های کم‌هزینه‌تر و غیرخسونت‌آمیز، نه‌تنها امنیت را تضعیف نمی‌کند، بلکه به کاهش اصطکاک و افزایش اعتماد متقابل کمک می‌کند. از سوی دیگر، نباید از نقش رسانه و منابع خبری در کاهش اندوه اجتماعی غافل شد. نسل جدید، دیگر وابسته به منابع رسانه‌ای و خبری محدود و رسمی نیست و به طیف گسترده‌ای از رسانه‌های جهانی و شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارد. اگر روایت رسمی نتواند اعتماد ایجاد کند یا با زبان این نسل سخن بگوید، روایت‌های غیررسمی جای آن را می‌گیرند؛ روایت‌هایی که لزوماً قابل‌مدیریت یا اصلاح نیستند.

همین مسئله، ضرورت بازنگری در سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای را دوچندان می‌کند. نهادهایی مانند شهرداری‌ها، آموزش‌وپرورش و دولت، هرکدام ابزارهایی در اختیار دارند که می‌توانند در کاهش آلام اجتماعی موثر باشند. از فضاهای شهری و نمادهای بصری گرفته تا نظام آموزشی و سیاست‌های حمایتی، همه می‌توانند در خدمت ترمیم شکاف‌ها قرار گیرند. البته باید پذیرفت که برخی اقدامات، هرچند لازم، اما کافی نیستند و نیاز به تداوم، صداقت و هماهنگی دارند. اقدام اخیر دولت چهاردهم و شخص رئیس‌جمهور در دیدار با آسیب‌دیدگان به‌نظم رفتار مناسبی است که باید با همراهی صداوسیما و سایر رسانه‌ها بازتاب مناسبی داده شود تا مردم بدانند مدیران و مسئولان نیز با غم و درد آنها همراهند و تلاش می‌کنند آن را تسکین دهند.

در نهایت، عبور از بحران‌های اجتماعی، نیازمند تغییر زاویه نگاه است. اگر هدف، حفظ انسجام اجتماعی و جلوگیری از تعمیق شکاف‌هاست، باید اندوه را دید، شنید و به رسمیت شناخت. همدلی، نه نشانه ضعف، بلکه نشانه بلوغ اجتماعی و حکمرانی است. جامعه‌ای که بتواند از دل بحران، به گفت‌وگو و همبستگی برسد، نه‌تنها از آن بحران عبور می‌کند، بلکه برای مواجهه با چالش‌های آینده نیز آماده‌تر خواهد بود.

چگونه از وضعیت این روزها رها شویم

حس با هم بودن شادی معنایی وجودی است. باین‌همه این روزها باتوجه به شرایط کنونی، جامعه در وضعیتی معلق قرار گرفته، وضعیتی که نه نام جنگ دارد و نه نشانی از صلح پایدار.

در چنین وضعیتی، فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران را در حالت «دست نگه داشتن» فرو برده است. همه منتظرند که ببینند بالاخره چه خواهد شد و این تعلیق به‌تدریج به یکی از

در شاخه‌ای به نام «روانشناسی انسان‌گرا» معتقدند؛ شادی احساس تجربه اوج است یعنی من خودم و جهان پیرامونم را یکپارچه ببینم. اگر می‌خواهیم شاد باشیم، باید دنیای پیرامون‌مان را هم شاد ببینیم. متفکران مدرن نیز شادی را کمتر در قالب نبرد و بیشتر در قالب زیادت پرهیزی می‌بینند. دیدگاه روانشناسی مثبت‌نگر نیز می‌گوید؛ شادی از داشتن جست‌وجوی هیجانات مثبت نشأت می‌گیرد. یعنی یک جور

پرهزینه‌ترین واقعیت‌های امروز اقتصاد و جامعه ایران تبدیل شده است. ناطلمینانی ابزار جایگزین موشک و پهپاد شده و ریتم عادی زندگی روزمره را مختل کرده است. خنثی‌سازی این وضعیت بیش از هر چیز نیازمند مدیریت هوشمندانه روایت‌ها، کاهش تناقض در پیام‌ها و تقویت اعتماد عمومی است؛ زیرا در این نبرد بی‌صدا، آنچه بیش از همه هدف گرفته‌شده، مسئله اطمینان مردم به فردای خود است.



نگاه روز

قربانعلی تنگ‌شیر – مدرس دانشگاه: همه آدم‌ها دنبال

شادی‌اند، اما به‌دست آوردن آن آسان نیست. اوضاع کنونی ما چنین است، همان‌هایی که قبلاً شاد بودند هم، حال و روزشان تعریف خاصی ندارد، چه برسد به بقیه. منجر به نشت یارانه یا عدم کفایت جبران می‌شود. بنابراین، رویکرد اصلاحی باید بر انتقال و هدفمندسازی یارانه متمرکز باشد، نه حذف کامل آن. به روایت دیگر، هدف از اجرای این سیاست باید حفظ یارانه به‌عنوان یک سیاست حمایتی اما با سازکاری کارآمدتر باشد.